سحر و جادو از دیدگاه  
قرآن و سنت

**تأليف:   
 فهد بن سليمان القاضی**

**با مقدمه:**

**محمد عاشور پلنگی**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | سحر و جادو از دیدگاه قرآن و سنت | | | | |
| **نویسنده:** | فهمد بن سلیمان القاضی | | | | |
| **محقق یا مصحح:** | محمد عاشور پلنگی | | | | |
| **موضوع:** | دیگر مسائل عقیدتی | | | | |
| **نوبت انتشار:** | اول (دیجیتال) | | | | |
| **تاریخ انتشار:** | آبان (عقرب) 1394شمسی، 1436 هجری، 1437 قمری | | | | |
| **منبع:** |  | | | | |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.**  **www.aqeedeh.com** | | | | |  |
| **ایمیل:** | | **book@aqeedeh.com** | | | |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** | | | | | |
| www.mowahedin.com  www.videofarsi.com  www.zekr.tv  www.mowahed.com | | |  | www.aqeedeh.com  www.islamtxt.com  [www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)  www.sadaislam.com | |
|  | | |  | | |
|  | | | | | |
| contact@mowahedin.com | | | | | |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[مقدمه مترجم 3](#_Toc436380692)

[مقدمۀ مؤلف 9](#_Toc436380693)

[عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم 10](#_Toc436380694)

[1- ضعف توحید خداوندی در قلب‌ها 10](#_Toc436380695)

[2- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات 11](#_Toc436380696)

[3- غفلت از ذکر الله ﻷ 12](#_Toc436380697)

[پاداش از نوع عمل 13](#_Toc436380698)

[حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران 16](#_Toc436380699)

[چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم 19](#_Toc436380700)

[روش معالجه 23](#_Toc436380701)

[معوذتان 23](#_Toc436380702)

[خواندن سوره فاتحه 24](#_Toc436380703)

[از دعاهای گرانقدر 24](#_Toc436380704)

[معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی‌تواند با همسرش همبستر بشود 26](#_Toc436380705)

[معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است 29](#_Toc436380706)

[چگونه خود را تعویذ بنمائید 31](#_Toc436380707)

[تعویذ 33](#_Toc436380708)

[فوائد تعویذ خود بوسیله خویشتن، از جمله 33](#_Toc436380709)

[کیفیت تعویذ 33](#_Toc436380710)

[تنبیهات 35](#_Toc436380711)

[کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید 38](#_Toc436380712)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

الحمدلله الذي بنعمته تتم الصالـحات‏‏، والصلاة والسلام على الرحـمة الـمهداة والنعمة الـمسداة؛ سيدنا محمد وعلى آله وصحبه ومن دعا بدعوته واهتدى بسنته وجاهد جهاده إلى يوم الدين...

انسان‌ها از بد و زندگی در این دنیا در ناملایمات قرار گرفتند و در پس مشکلات به یک راهکارهای مادی و معنوی نیاز داشتند تا سختی‌های زندگی را پشت سر گذرانند.

لذا جامعه بشری گاهی دچار گمراهی ها می‌شد و این بدعت ها و خرافات چنان آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد که راه درست از خطا قابل تشخیص نبود و چه بسا این گمراهی های جامعه و تمدنی را در ورطۀ هلاکت سوق می‌داد.

امروزه بشر با پیشرفت قابل توجه خود همچنان گرفتار چنین مسائلی است؛ زیرا کمتر به مسائل معنوی که نیاز اساسی بشریت می‌باشد، پرداخته است. هر چند درمسائل مادی خطاهای زندگی و شیوه رفاهی خود را به کمترین حد رسانده ولی به دلیل توجه بیش از حد به این مسائل از جنبه دینی و معنوی آن غافل شده است.

یکی از این مسائل، که زندگی ما را بیشتر تحت تأثیر قرار داده است، سحر و جادو یا استفاده بشر از نیروهای مافوق بشر برای یافتن راه علاج برخی مشکلات روحی و روانی است. از آن جا که احتیاج به نیروهای طبیعی و ما فوق طبیعی جزء نیازهای فطری انسانها است، انسان برای پرکردن این نیاز، به و سائلی پناه برده است که یکی از آن وسایل سحر و جادو می‌باشد.

«سحر([[1]](#footnote-1))، کاری است که آدمی می‌تواند به وسیلۀ دمیدن و تکرار بعضی کلمات یا انجام بعضی اعمال قوای فوق العاده عظیم جهان را به نفع خود قبضه کند»**([[2]](#footnote-2))**. هر چند در بعضی مجالس پیشگویی، مطالب ضد ونقیضی گفته می‌شود که بیشتر با دروغ همراه بوده کمی غیب گویی و آینده نگری آن را با واقعیت نزدیک کرده است، چنانچه در خیال انسان درست جلوه گر می‌شود. بهتر است این مسأله را از دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار دهیم، آیا از غیب صحبت کردن یا بیماری لاعلاج را شفا دادن و درد مزمنی را خوب کردن از طریق سحر یا احضار روح و... درست است یا نه؟.

در قرآن آیات بسیاری آمده است که طی آن روح مردگان در جایگاهی که خداوند برای آنها قرار داده به سر می‌برند، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ٤٦﴾ [غافر: 46].

«اینک هر صبح وشام بر آتش عرضه می‌شوند و روزی که رستاخیز بر پا شود فریاد می‌رسد که فرعونیان را در سخت ترین انواع عذاب درآورید».

همچنین در آیات 83 تا 95 سورۀ واقعه درباره ارواح بهشتیان و ارواح جهنمیان و جایگاه آنها درعالم برزخ سخن می‌گوید که هیچ ارتباطی با جهان مادی ما ندارد گویای آن است که ارواح انسانها در کجا قرار دارد و چگونه بعد از مرگ با آنان برخورد می‌شود. پس چگونه ممکن است ارواح کافران ملحد و نافرمان، از هر قید و بندی رها و آزاد باشند بطوری که بتوانند هر جا بخواهد بروند و به در خواست هر کس جواب دهند و هیچ گونه مراقب و نگهبانی برای آنان نباشد.

در حدیثی از صحیحین بخاری و مسلم روایت شده است؛ ظاهراً پیامبر اکرم ص درجنگ بدر، اجساد مشرکین را در چاهی انداخته است و خود بر سر چاه می‌آیند و با نام بردن از کشته های آنان با آنها صحبت می‌کند وقتی اصحاب با این صحنه روبرو می‌شوند از رسول اکرم ص سئوال می‌کنند: آیا مردگان سخن می‌گویند ایشان پاسخ می‌دهند: آنها سخنان من را بهتر از شما درک می‌کنند ولی توانایی جواب دادن را ندارند**([[3]](#footnote-3))**، پس اگر ارواح آنان چنانچه با پیامبر خدا ص نتوانستند صبحت نمایند، چگونه می‌توانند با افراد دیگر به سخن بپردازند. اگر شک کنیم که اینان (جادوگران) با فرشتگان در ارتباط هستند این ظن با آیات قرآن بر طرف می‌شود که می‌فرماید:

﴿لَا يَسۡبِقُونَهُۥ بِٱلۡقَوۡلِ وَهُم بِأَمۡرِهِۦ يَعۡمَلُونَ٢٧﴾ [الأنبیاء: 27].

«در هیچ سخن بر خدا پیشی نمی‌گیرند و خود به دستور او کار می‌کنند».

پس جای تردیدی نیست که نیروهای ما فوقی که اینان ادعا می‌کنند همان نیروهای مخفی عالم جن و شیاطین هستند و در اندیشه پاک اسلامی چنین چیزی جایگاهی ندارد**([[4]](#footnote-4))** چون وجود شیاطین همانند فرشتگان یک امر مسلّم است که قرآن می‌فرماید:

«ما مِن اَحَدٍ إلا ولَهُ شيطان»**([[5]](#footnote-5))** «هیچ کس نیست مگر اینکه همراه او شیطانی هست». پس چه بسا آنان که ادعای می‌کنند تا دردهای مزمن را برطرف می‌کنند کسانی نیستند جز آنهایی که با کمک گرفتن از اجنّه و شیاطین اطلاعات شخصی افراد را می‌گیرند و به آنها بازگو می‌نمایند و این، خود، خلاف سنت پاک نبوی است چرا که پیامبر اکرم ص چنین اموری را ناپسند می‌داست وبه اصحاب خود توصیه می‌کرد که در هنگام دچار شدن به درد ومصیبتی به نزد طبیب مراجعه کنند و به خدا توکل نمایند. بنابر احادیثی از داروهای طبیعی هم نام می‌برند، ایشان می‌فرمایند:

«الشِّفَاءُ فِي ثَلاَثَةٍ: شَرْبَةِ عَسَلٍ، وَشَرْطَةِ مِحْجَمٍ، وَكَيَّةِ نَارٍ، وَأَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الكَيِّ»**([[6]](#footnote-6))**. «شفای بیماران منحصر در سه چیز است: شربت عسل و نیشترحجّام و داغ کردن. و امتم را از داغ کردن منع می‌کنم».

به این ترتیب پیامبر اکرم ص روش های درمان و شفابخشی مریضان طبق عرف زمانه خود نام برده اند ولی امروزه با پیشرفت علم بشری و استفاده از اسباب خداوندی که در طبیعت به طور آشکار مشاهده می‌شود، این امر بهتر تحقق می‌یابد. چرا که مسلمانان باید بدانند، تنها با جبران خلأهای عقیدتی و تلاش در کشف پدیده ها برای شناخت بهتر خداوند، می‌توانند خود را به کاروان تمدن بشری برسانند و چه بسا از آن پیشی بگیرند و از پدیده های پوچ و بیهوده که فقط برای عقب ماندگی جامعه بشری ساخته شده است، دور باشند و بیش از هر زمان دیگری از معنویات دینی و عقاید پاک شریعت و ایمان قوی خود بهره برند و شب و روز در تلاش باشند تا با واقعیات آفرینش انس بگیرند.

چرا که این احضار روحها و سحر و جادو هایی که در جامعه بشری وجود دارد چیزی نیست جز ساختۀ افراد ملحد و مادیگری که کمبود معنوی خود را بدین طریق پرمی کنند، در حالی که خود به چنین امری اعتقاد ندارند و بدین طریق به عناد و سرپیچی خود می‌افزایند و افراد بسیاری را گمراه می‌سازند پس وظیفه ماست که با برگزیدن افکار پاک اسلامی و ایمان راسخ و با زیرکی تمام از تاریکی که در جامعه بشریت بخصوص در بین مسلمین حکم‌فرماست به مبارزه برخیزیم زیرا تنها کسی که از غیب خبر دارد و از آینده خبر می‌دهد خداوند متعال است حتی خداوند ﻷ به رسول اکرم ص می‌فرماید:

﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ٦٥﴾ [النمل: 65]. «ای رسول خدا بگو که در همه آسمانها و زمین جز خداوند کسی از علم و غیب آگاه نیست».

﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: 59]. «کلیدهای غیب تنها نزد او است جز او کسی آن را نمی‌داند».

مسئله دیگری که در جامعه ما نمایان است فال حافظ می‌باشد چرا که این مسأله یک پدیدۀ روانشناختی است چه بسا به خاطر تجربه هایی که افراد در زندگی دارند و حوادث زیادی از جمله (سفرـ پولدا رشدن ـ ازدواج، آشنایی، مرگ و...) در زندگی انسان‌ها اتفاق می‌افتد با اشعاری که در ابیات حافظ در این مسائل صحبت کرده است تلفیق می‌نمایند و بدین وسیله با احساسات و عواطف مردم بازی می‌کنند. ولی این کار برای یک انسان عالم و آگاه عمل ناپسندی است، بجای اینکه مردم را به راه راست هدایت کنند و آنها را در برابر سختی‌ها و مصائب که همواره در زندگی انسان رخ می‌دهد یاری دهند بدین وسیله آنان را در برابر این همه مسائل گمراه می‌کنند.

بر هر مسلمانی واجب است تا از این مسائل دوری کند چرا که قضا و قدر و سرنوشت انسان بنابه راه هایی که خداوند در اختیار انسان قرار داده در دست خود او است نه دیگران. مسائلی چون صداقت، اعتقاد پاک، اخلاق خوب، دوری از پلیدی ها و کمک ومساعدت ها است که انسان را در صراط مستقیم خوشبختی وسعادت قرار می‌دهد.

پس تنها با یک وسیله می‌توان پیشرفت مادی و معنوی مسلمانان را هموار کرد و راه پیشرفت مادی و معنوی انسان را بر افق بیکران هستی باز کنیم. آن اینکه دوباره به انوار عالی قرآن و سنت که از مشرق زمین طلوع کرده است و همچنان روشنایی خود را بر همگان عرضه می‌دارد، رو بیاوریم و از آن استفاده نماییم؛ تا زمانی که ایدئولوژی و عقیدۀ یک ملت درست نشود و نحوۀ تفکر آن نسبت به جهان تغییر نکند و در راستای کمال قرار نگیرد آن ملت سیادت و بزرگی پیدا نمی‌کند و موجب پیشرفت مادی و معنوی اجتماعش نمی‌گردد.

در پایان از استاد بزرگوار جناب مولوی عبدالرحمن سربازی و سایر دوستانی که در ترجمه این اثر بنده را یاری نمودند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

عاشور محمد پلنگی

11/11/80

مقدمۀ مؤلف

الحمدلله نحمده ونستعينه ونستغفره ونعوذ بالله من شرور أنفسنا ومن سيئات أعمـالنا من يـهده الله فلا مضل له ومن يضلل فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله. وبعد…

حکمت خداوندی چنان اقتضا کرد تا انسان را در درد و رنج و سختی بیافریند، و دنیا را خانهی سختی برای [آزمایش انسان] قرار دهد تا بدینوسیله گناهان مؤمنان را بپوشاند ومقامشان را بالا ببرد وعذابی برای کافران و مایه بیداری برای تمام انسان‌ها باشد، تا به دنیا اعتماد ننمایند و بدان دل نبندند، بلکه نسبت به آن سرای دیگر آگاهی یابند و تشویق بشوند که اهل آن زندهاند و هیچگاه نمی‌میرند و سالم و تندرستند و هرگز مریض نمی‌شوند، جوان هستند وهرگز پیر نمی‌گردند، سعاتمند هستند و هرگز دچار مشکلات نمی‌شوند.

از جمله آزمون ها ابتلائاتی که بعضی مردم به آن دچار می‌شوند، سحر وچشمزخم هستند وهر دو از طریق شرع و تجربه ثابت و اخیراً ایندو بیماری شایع شده است و کسانی که ازآنها شکایت می‌کنند، زیاد شدهاند. اگر فرد مسلمان در کتاب خداوند ﻷ [قرآن] [و سنت رسول اکرم ص] تفکر و تدبر کند، سبب ناخوشی و راه علاج آن را خواهد یافت.

عوامل گرفتاری به سحر و چشم زخم

خداوند ﻷ [در قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَظۡلِمُ ٱلنَّاسَ شَيۡ‍ٔٗا وَلَٰكِنَّ ٱلنَّاسَ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ٤٤﴾ [یونس: 44].

«خداوند ﻷ به مردم ستمی نمی‌کند بلکه این مردم هستند که (با اختیار کفر وترک ایمان) به خویشتن ستم می‌نمایند». وهمچنین خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَآ أَصَٰبَكُم مِّن مُّصِيبَةٖ فَبِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِيكُمۡ وَيَعۡفُواْ عَن كَثِيرٖ٣٠﴾ [الشورى: 30]. «آنچه از مصائب وبلا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده اید. تازه خداوند از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند که شما از آنها توبه نموده اید ویا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زدوده اید». بنابر این گناهان ما عامل مبتلا شدن ما هستند که از جملۀ آن [عوامل] عبارتند از:

1- ضعف توحید خداوندی در قلب‌ها

شرک در اشکال معینی محدود نمی‌شود، بعضی مردم وجودشان را از بعضی اعمال شرک آمیز پاک وسالم می‌دانند، گمان می‌کنند که توحیدشان کامل است وخود را از شرک اکبر و اصغر پاک می‌دانند. شرک اکبر یعنی: صرف هر نوع عبادت غیر خدا است، همین طور توکل کردن بر غیر خدا، اعتماد کردن بر غیر خدا چنان اعتمادی که بر خدا ﻷ اعتماد می‌شود و اعتقاد به اینکه این نفع و ضرر از جانب غیر خداست نیز شرک است و همچنین اگر کسی چیزی را دوست داشته چنان که می‌بایستی خدا ﻷ را دوست داشته باشد، چنین شخصی مرتکب شرک شده است، خداوند ﻷ می‌فرماید:

﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَندَادٗا يُحِبُّونَهُمۡ كَحُبِّ ٱللَّهِۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَشَدُّ حُبّٗا لِّلَّهِ﴾ [البقرة: 165].

«برخی از مردم هستند که از میان غیرخدا، خداگونه هایی بر می‌گزینند وآنان را همچون خدا ﻷ دوست می‌دارند و کسانی که ایمان آورده اند خدا را سخت دوست می‌دارند (وبالاتر از هر چیز بدو عشق می‌ورزند)».

2- ترک بعضی واجبات و انجام دادن برخی محرمات

کسی که نماز را سبک می‌شمارد (در حالی که بزرگترین رکن اسلام بعد از کلمه شهادتین است) و اقامۀ نماز صِرف انجام دادن آن به نحوۀ خاص نیست، بلکه اقامۀ نماز عبارتست از ادای آن به کاملترین وجه، که آن هم با انجام شرایط، ارکان و واجبات نماز [محقق می‌شود.] و همین طور هر کس که در هر کدام از واجباتی که الله  بر او واجب گردانیده کوتاهی کند، یا کاری را که الله  او را از انجام آن باز داشته، مرتکب شود، چنین شخصی در واقع سبب و عامل مبتلا شدن به مصائب و عقوبت ها را برای خویش فراهم نموده است. و همین طور هر کس، فریضۀ الهی که بر او فرض شده است سبک بشمارد و یا مرتکب گناهی شود که خداوند او را از ارتکاب آن نهی کرده است، بدین ترتیب[بخاطر دوری از خدا] دچار بلاها و عذاب ها [که مسبب آن خودش است] می‌شود.

3- غفلت از ذکر الله ﻷ

خداوند  در [قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَن يَعۡشُ عَن ذِكۡرِ ٱلرَّحۡمَٰنِ نُقَيِّضۡ لَهُۥ شَيۡطَٰنٗا فَهُوَ لَهُۥ قَرِينٞ٣٦﴾ [الزخرف: 36].

«هرکس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد و گمراه سرگشته اش می‌سازد». (یعش) یعنی: غافل می‌شود، اعراض می‌کند، روی می‌گرداند، روی بر می‌تابد.

بخاطر اینکه بسیاری از مردم از ذکر خداوند  روی برگردانده اند و کتابش [قرآن] را رها کرده اند، خانه هایشان را پر از ابزار و آلات لهو و [لعب] و غفلت پر کرده اند و وقت های خویش را با بازی و بیهودگی می‌گذرانند، لذا شیطان بر آنها سلطه پیدا کرده و آنها را به انجام گناهان برانگیخته است، و رابطه میان زوج هایی [همسران و شوهران] که باهم محبت داشته اند و صمیمیت میان دوستان را از بین برده است، همین که خانه و قلب هایشان از ذکر خدا  خالی شده است، شیاطین آنها را گرفتار کرده و بر آنان چیره شده است. پس قلب ها را با وسوسه ها، اوهام و دودلی ها لبریز و خانه ها را با مشکلات و دشمنی ها پرکرده است. هنگامی که شخصی به خانه اش وارد می‌شود سینه اش منقبض می‌گردد[یعنی با آغوش باز خانواده اش را ملاقات نمی‌کند] و دلش می‌گیرد و لبخند روی لبش از بین می‌رود و بجای اینکه با همسر و فرزندانش با سلام و خشرویی و مهربانی برخورد کند با چهره ای عبوس و ترش گرفته و زبانی بد وارد خانه می‌شود، و همسرش نیز همین رفتار یا شبیه آن را با او انجام می‌دهد پس دشمنی ها زیاد ومشکلات برانگیخته می‌شود، دوستی ومهربانی بین طرفین قطع می‌گردد وکارهای ناپسند، فحش و خشم و دشمنی جای دوستی ها را می‌گیرد. امام مسلم / در کتاب صحیح خود از پیامبر اکرم ص روایت می‌کند که آن حضرت ص فرموده است: **«**إذَا دَخَلَ الرُّجُلُ بَيتَهُ فَذكرَ اللهَ ﻷ عِندَ دُخُولِهِ وَعِندَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيطَانُ: لاَ مَبيتَ لَكم ولاَ عَشَاءَ، وَإذَا دَخَلَ فَلَم يَذكرِ اللهَ عِندَ دُخُولِهِ قَالَ الشَّيطَانُ: أدرَكتُمُ المَبِيت، وَإذَا لَم يَذكرِ اللهَ عِندَ طَعَامِهِ قَالَ: أدرَكتُمُ المَبِيتَ وَالعَشَآءَ**»**)[[7]](#footnote-7)(. ترجمه: «وقتی که شخص وارد خانه اش می‌شود و هنگام ورود و غذا خوردن خداوند را بیاد آورد، شیطان (به همراهانش) می‌گوید: برایتان نه جایی برای گذراندن شب ونه شامی است، وهنگامی که[آن شخص] داخل می‌شود به وقت دخول ذکر خداوند را بجای نمی‌آورد شیطان می‌گوید: جایی برای شب گذراندن را یافته اید و اگر هنگام غذا خوردن خدا را یاد نکند، می‌گوید: جای شب گذراندن و شام را یافته‌اید».

پاداش از نوع عمل

این یک قاعدۀ همیشگی و مکرّر دربارۀ ثواب و عقاب است [پاداش از نوع عمل]. پس کسی که بر والدینش نیکی کند، فرزندانش در آینده بر او نیکی می‌کنند و کسی از فرمان پدر ومادر سر پیچی کند اولادش در آینده از او سرپیچی خواهند کرد و کسی خود را از ناموس مردم پاک نگه بدارد [یعنی به ناموس دیگران تعرض نکند] مردم ناموس او را نیکو می‌دارند وبر عکس، پس همچنان که قرض می‌دهی به همان اندازه قرض می‌گیری، و درحدیث آمده است «أحفِظَ اللهَ يحفَظَك»**([[8]](#footnote-8))** [حدود وشرائع] «خداوند را حفظ کن تا خداوند تورا [از بلاها، گناهان و عذابها] حفظ کند». در اینجا ـ در باره شکایت از سحر وچشم زخم ـ اینک جاری بودن این قاعده را می‌بینیم:

همین که توکل مردم بر خداوند  کم شد و به برخی از اسباب مادی [غیر از الله ] اعتماد کردند و بر بعضی از آنها توکل نمودند، به همین اسباب واگذار شدند [منظور اینست، همین که آنان به سوی اسباب [غیر الله] متوجه شدند و بدانها دل بستند پس الله نیز آنان را به حال خود رها نموده حوالۀ اسباب می‌کند] وقتی که کسی به غیر الله توکل کند، پس ناکام و خوار می‌شود. ولی به کار گرفتن اسباب ـ مانند رفتن نزد پزشک هنگام بیماری ـ هیچ منافاتی با توکل به خداوند ندارد، [یعنی چنین صورت استفاده از اسباب طبیعی در دنیا هیچ اشکالی بر اصل توکل وارد نمی‌کند] ولی درست نیست که بر شفابخشی پزشک به طور مطلق اطمینان و اعتماد قلبی پیدا نمایی بلکه به خداوند یگانه اعتماد واطمینان قلبی داشته باشی و قلبت را به سوی خداوند پاک و منزه مرتبط گردانی.

صورت دیگری که در آن انطباق (پادش از نوع عمل) را می‌بینی اینست که: بسیاری از مردم چیزهای را می‌خواهند که نفسشان طلب می‌کند، هر چند از طرف خداوند حرام شده باشند [یعنی خداوند بخاطر ضررشان آنها را برای انسان حرام کرده است]، مانند دیدن چیزهایی که دیدن آن [برای انسان] جایز نیست، یا شنیدن صداهایی که گوش کردن آن حرام می‌باشد وهمچنین سفر کردن به کشورهایی که در آن منکرات رائج می‌باشد و [در کشورهایی که] معاصی و گناهان بصورت علنی و آشکارا انجام می‌گیرد. [در واقع] همۀ این موارد و چیزهای شبیه آن عمل به خواهش های نفسانی شان است، پس در این صورت بر خلاف خواسته هایشان مجازات شدند و به پریشان حالی، ناراحتی، بیماری نفس، اندوهگینی و نا آرامی مبتلا شدند، کیفری است مناسب با اعمال و خواسته های آنان در دنیا [که از فرمان خدا سرپیچی کردند و بدین ترتیب دل های ستمدیدگان را سوزاندند، خانه هایشان را به آتش کشیدند و با ظلم و زر و زور خود بر کسی رحم ننمودند، هم اینک سزاوار است که در دوزخ کیفرشان چنان و سرنوشت شان چنین بد باشد]. در حالیکه پروردگار تو هرگز به [بندگان] ظلم و ستم روا نمی‌دارد.

همچنانکه بعضی مردم در امر فراخواندن [به حضورطلبیدن] خادمان و پیشخدمت های زن توسّع بخرج می‌دهند و قوانین دینی را رعایت نمی‌کنند ودربارۀ امور ممنوعۀ شرعی تساهل بخرج می‌دهند. از جمله اینکه خادم زن بدون محرم به سفر می‌رود. و نیز اینکه گاهی اوقات میان مرد و خادمه خلوت صورت می‌گیرد یا میان زن با پیشخدمت یا راننده و سایر موارد مثل این ازجمله چیزهایی که در زندگی مان از خلوت مرد با زن حاصل می‌شود و یا زنی با راننده ای خلوت می‌کند، و سایر موارد مثل این... پس بدین شکل برخی از آن خادمان زن و رانندگان با این عمل اسباب مبتلا شدن به سحر و جادوها و بلاها را فراهم می‌آورند.

حکم سحر و رفتن به نزد فالگیران

علمای اسلام اتفاق نظر دارند بر اینکه: [بر مریض جایز نیست که پیش فالگیران (کاهنان) که ادّعای دانستن غیب را می‌کنند و (مردم را بدین صورت به سوی خود فرا می‌خواند) برود تا بوسیلۀ آنها بیماری خود را تشخیص بدهد. همچنانکه برای شخص جایز نیست، آنچه را که کاهنان او را خبر می‌دهند تصدیق نماید. زیرا آنها از روی شک و تردید از غیب سخن می‌گویند. یا آنها جن را احضار می‌کنند و بوسیله آنها بر آن چه که می‌خواهند استعانت می‌جویند و کار اینها کفر و ضلالت است چون که این ها ادعای امور غیبی را می‌کنند. امام مسلم / در کتاب صحیحش روایت کرده است که آن حضرت ص می‌فرماید: «مَن أتَي عَرَّافَاً فَسَألَهُ عَن شَئٍ فَصَدَّقَهُ لمَ تُقبَل لَهُ صَلاةٌ أربَعِينَ يَوماً»**([[9]](#footnote-9))**. «هر کس پیش عرّافی(عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدی شده را نشان می‌دهد) رفته و از او در مورد چیزی بپرسد و آن را راستگو شمارد، تا چهل روز نمازی از او پذیرفته نخواهد شد». حضرت ابوهریره  از پیامبر اکرم ص روایت کرده است که: «مَن أتَى كاهِنَاً فَصَدَّقَهَ بمَا يَقُولُ فَقَد كفَر بمَا أنزَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ ص»**([[10]](#footnote-10))** «هر کس پیش فال‌گیری (کسی است که ادعای علم غیب می‌کند و بوسیلۀ ستارگان مردم را از غیب خبر می‌دهد) برود و بر گفته هایش صحه بگذارد، او از آنچه که بر محمد ص نازل شده سرباز زده است». ابوداوود این حدیث را روایت کرده و اصحاب سنن اربعه آنرا تخریج کرده اند. و از عمران بن حصین  روایت شده است که پیامبر ص فرمودند: «ليس منا من تطير أو تطير له، أو تـكهن أو تـكهن له، أو سحر له، وَمَن أتَى كاهِنَاً فَصَدَّقَهُ بمَا يَقُولُ فَقَد كفَرَ بمَا أُنْزِلَ عَلَى مُحَمَّدٍ» «از ما نیست کسی که فال بگیرد، یا برایش فال گرفته شود یا مرتکب کهانت شود یا برای او کهانت انجام داده شود یا ساحری بکند یا برایش ساحری کرده شود و هر کس پیش کاهنی رفته و بر گفته هایش صحه بگذارد به آنچه که بر محمد ص نازل شده کفر نموده است». [بزاز با سند قوی آنرا روایت کرده است]. در این احادیث دلیل کافر بودن کاهن و ساحر وجود دارد زیرا که آنها ادعای دانستن علم غیب می‌کنند. در حالی که این [اعتقاد وعمل] کفر محسوب می‌شود چرا که ساحر و کاهن جز با به خدمت گرفتن جن و عبادت کردن آن به هدف شان دست نمی‌یابند در حالی که آن کفر و شرک به خداوند پاک و منزه است و همچنین تصدیق کنندۀ آن نیز دچار کفر و شرک می‌شود و کسی که بدان معتقد باشد مانند آنان می‌باشد. و هر کس که بر این کارها مشغول شود و از آنها سحر و جادو بگیرد به تحقیق[خدا] و رسولش ص از او بیزار می‌شوند.

سحر (جادو) از محرّمات کفرآمیز است. همچنان که خداوند  در مورد دو فرشته می‌فرماید: ﴿وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنۡ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَآ إِنَّمَا نَحۡنُ فِتۡنَةٞ فَلَا تَكۡفُرۡۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنۡهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيۡنَ ٱلۡمَرۡءِ وَزَوۡجِهِۦۚ وَمَا هُم بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنۡ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمۡ وَلَا يَنفَعُهُمۡۚ وَلَقَدۡ عَلِمُواْ لَمَنِ ٱشۡتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ مِنۡ خَلَٰقٖۚ وَلَبِئۡسَ مَا شَرَوۡاْ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمۡۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾ [البقرة: 102]. ترجمه: «دو فرشته‌ای که طریق سحر کردن را برای آشنایی به طرز ابطال به مردم یاد می‌دادند و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر اینکه پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (وآنچه به تو می‌آموزیم به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن بدور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته هایشان سوء استفاده کردند) که با آن میان مرد وهمسرش جدایی می‌افکندند (آری این شیطان صفتان گناه پیشه کفر ورزیدند، چون این گونه یاوه گویی ها و افسانه سرایی ها گذشتگان را به هم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) وحال آنکه با چنین جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر اینکه با اجازه و خواست خدا باشد وآنان قسمت هایی را فرا می‌گرفتند که بر ایشان (از لحاظ دنیا وآخرت) زیان داشت و به ایشان سودی نمی‌رساند. ومسلماً می‌دانستند هر کس خریدار اینگونه متاع باشد». بهره ای در آخرت نخواهد داشت و چه زشت وناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (وآن را پیشه خود ساخته اند) اگر می‌دانستند (وعلم و دانشی می‌داشتند)] پس این آیۀ کریمه بر کفر بودن سحر دلالت می‌کند. و از خداوند  مسئلت می‌داریم که ما را از شر ساحران وجادوگران (کاهنان) و شعبده بازان محفوظ بدارد و همچنان که از خداوند  مسئلت داریم که مسلمانان را از شرشان نجات بدهد و به مسلمانان توفیق برحذر ماندن از آنان و اجرای حکم الله  دربارۀ آنان عنایت بفرماید تا اینکه بندگان از ضرر و اعمال بدشان راحت بشوند. همانا خداوند بسیار بخشنده وکریم است]. این قسمت خلاصۀ بیانات شیخ عبدالعزیز بن باز / بود که پایان یافت.

چگونه از شر سحر و چشم زخم در امان بمانیم

براستی که الله سبحانه برای بندگانش چیزهایی را مشروع فرمود که بوسیلۀ آن از شر سحر و چشم زخم، قبل از وقوعشان خود را برهانند و او سبحانه و تعالی راه علاج آنها را نیز بیان فرموده و این کار را بخاطر رحمتش بر بندگان و احسان برکات و بنابه اتمام نعمت خود بر آنان فرموده است.

از جمله وسایل محفوظ و در امان ماندن [از سحر و جادو] توکل بر خداوند : توکل به خداوند  بزرگترین وسیله دفع آفات و سودمند ترین چیزی است که به وسیله آن خواسته ها برآورده می‌شود، پس هر کس به خداوند  توکل کند، خداوند  در همه امورش برای او کافی است. خداوند  [در قرآن کریم] می‌فرماید: ﴿وَمَن يَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِ فَهُوَ حَسۡبُهُ﴾ [الطلاق: 3]. «هر کس بر خداوند  توکل کند (و کار و بار خود را بدو واگذارد)خدا او را بسنده است».

اطاعت اوامر الهی و اجتناب از نواهی او: هر کس اوامر و نواهی خداوند  را بجا آورد (در حفظ آنها کوشش نماید) خداوند  دین، دنیا، خانواده و مالش را حفظ خواهد کرد.

کثرت یاد خداوند : ذکر خداوند  از طریق تلاوت قرآن کریم، تسبیحات [سبحان الله گفتن]، سپاس و ستایشات [الحمدلله گفتن]، به نیکی یاد کردن، توبه به سوی خداوند و تهلیل و تکبیر و استغفار و درودفرستادن بر پیامبر اکرم ص است. اینها از سودمند ترین وسایلی است که بنده نفسش را بوسیله آن حفظ می‌کند. امام أحمد و ترمذی از پیامبر اکرم ص روایت کرده اند که [آن حضرت ص می‌فرماید]: خداوند  به یحیی بن زکریا امر فرمود که به پنج کلمه عمل کند و بنی اسرائیل را نیز به انجام دادن آن دستور دهد، این دستورات عبارتند از اینکه: آنها را به ذکر خداوند  امر کن، مثال آن مانند مردی است که تحت تعقیب دشمن است، در این حین به قلعه محکمی می‌رسد وبه آن پناه می‌ برد، پس بدین وسیله خود را با پناه بردن به دژ حفظ می‌کند. همین طور است؛ بنده نفس خود را از دست شیطان حفظ نمی‌کند مگر با یاد خداوند .

از جمله این اذکار:

الف ـ قرائت آیت الکرسی؛ هنگام رفتن به رختخواب، چرا که آیت الکرسی همواره یک نگهبان از جانب الله  بر تو است و با خواندن [آیت الکرسی قبل از خواب] شیطان تا صبح [نزدیک تو] نمی‌گردد، چنانکه برای خواندن آن بعد از هر نماز فرض تأکید و تشویق شده است.

ب ـ خواندن سورۀ بقره، در خانه ای که سورۀ بقره خوانده می‌شود شیطان از آن خانه فرار می‌کند.

ج ـ خواندن دو آیۀ آخر سورۀ بقره؛ پس کسی که در شب آن دو آیه را بخواند، آن دو آیه او را کفایت می‌کنند، چرا که خداوند  بر معنای آن واقف است و [بندگان] را از هر بدی باز می‌دارد. (والله اعلم).

د ـ اذکارمرتّبه اوقات صبح، شام، هنگام پیاده شدن، وارد و خارج شدن از منزل، سوار مرکب شدن و اذکاری که در سایر مناسبات وارد شده اند.

ھ ـ تعویذ کودکان همان گونه که رسول الله ص حضرت حسن وحسین ش را تعویذ می‌کرد: «أعيذُكمَا بِكلِمَاتِ اللهِ التَّامَّةِ مِن كلِّ شَيطَانٍ وَهَامَّةٍ وَمِن كلِّ عَينٍ لاَ مَّهٍ»)[[11]](#footnote-11)(. «من شما دو نفر را با کلمات تامّه خداوند  از شر هر شیطان وسوسه گر واز شر هر چشم بد تعویذ می‌کنم».

و ـ به بسیار خواندن «أعُوذُ بِكلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِن شَّرِ مَا خَلَقٍ» در شب و روز و هنگام پیاده شدن یا وارد شدن در ساختمان، صحرا، فضا و یا در دریا.

از دیگر اسباب جلوگیری [از سحر وچشم زخم]:

عبارتند از:

جلوگیری از خروج کودکان از منزل هنگام غروب، رسول الله ص فرموده است: «إذَا كانَ جُنحُ اللَّيلِ ـ أو أمسَيتُم ـ فَكفُّوا صِبيَانَكم، فَإنَّ الشَّيطَانَ يَنتَشِرُ حِينَئِذٍ، فَإذَا ذَهَبَ سَاعَةٌ مِنَ اللَّيلِ فَخَلُّوهُم»)[[12]](#footnote-12)(. «هنگامی که آغاز شب باشد ـ یا فرمود هنگامی که وارد شامگاهان شدید ـ بچه های خردسال تان را مواظبت کنید زیرا در این هنگام شیطان ها منتشر می‌شوند و چون پاسی از شب گذشت آنها را آزاد بگذارید (به هر جا که بخواهند بروند)» جُنحُ اللَّيلِ یعنی: آغاز شب بعد از غروب خورشید و چیرگی سیاهی.

زدودن خانه از آلات سنگی، مجسمه ها، عکس ها و سگ ها که موجودات ذی روح هستند. از پیامبر اکرم ص ثابت است که فرشتگان به خانه ای که این چیزها [یعنی سگ، عکس های ذی روح ومجسمه ها] هستند، وارد نمی‌شوند و همچنین پاکسازی خانه از وجود آلات لهو و لعب و نغمه و سایر آلات [نیز جزو اسباب جلوگیری از سحر و چشم زخم می‌باشد].

خوردن هفت دانه خرمای عجوه در صبح (نوعی خرما، که در مدینه موجود است). بخاری و مسلم از آن حضرت ص روایت کرده اند که: **«**مَن تَصَبَّحَ بِسَبعِ تمَرَاتٍ عَجوَةٍ لمَ يَضُرُّه ذلِك اليَومَ سم وَلاَ سِحرٌ**»([[13]](#footnote-13))**. «هر کس صبحگاهان هفت دانه خرمای عجوه بخورد، سم و سحر در آن روز ضرری به او نخواهند رسانید». حضرت شیخ عبدالعزیز / می‌فرماید: امید است [کلمۀ خرما] که آن شامل همۀ نوع خرماها شود، چرا که معنی در تمام انواع خرماها موجود است. پس این معنی [خرما] به صورت عام موجود است.

روش معالجه

حضرت ابن قیم / فرموده است: «ازسودمند ترین (وسایل) علاج های سحر داروهای معنوی است، آری ادویه های معنوی به ذاته داروهای سودمند هستند. پس اگر قلب انسان مالامال از [خوف و عظمت] خداوند و لبریز از ذکر او تعالی باشد و انسان دعا و ذکر و تعویذاتی را ورد کند که این دعاها [اذکار] و تعویذات بر او اثر می‌گذارد و هیچ خللی در او بوجود نمی‌آید و بر قلب و زبانش مطابق می‌شود، و این از بزرگترین اسباب هایی است که از اصابت سحر و نظر بد بر انسان جلوگیری می‌کند و این کار از بزرگترین معالجات سحر بعد از مبتلا شدن به آن می‌باشد.

معوذتان([[14]](#footnote-14))

امام بخاری و مسلم / از حضرت عایشه ل روایت کرده اند که پیامبراکرم ص هنگامی که از دردی می‌نالید، دو سورۀ فلق و ناس را خوانده، بر خود دم می‌کردند. حضرت ابن قیم / می‌فرماید: «منظور از این کلام درباره این سوره، بیان منفعت های عظیم این دو سوره و شدت احتیاج و بلکه ضرورت به آنها [در این مواقع] است، و اینکه هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست و اینکه این دو سوره تاثیر بسزایی در دفع سحر و چشم زخم و دیگر شرارت ها دارد.

چه بسا احتیاج انسان به استعاذه با این دو سوره بیشتر و مهم تر از احتیاج انسان به نفس، غذا، نوشیدنی و لباس می‌باشد.

خواندن سوره فاتحه

روزی عده ای از صحابه کرام در حال مسافرت بودند که از قبیله ای عبور کردند، رئیس آن قبیله را [عقرب یا مار گزنده ای] گزیده بود، یکی از صحابۀ کرام وی را با سورۀ فاتحه تعویذ کرد که آن شخص [رئیس قبیله] بلند شد طوری که گویا اصلاً چیزی به او اصابت نکرده بود. پس وقتی که پیامبر اکرم ص را از جریان با خبر کردند، آن حضرت ص تبسّم نمود و کارش را با سکوتش تأیید فرمود.

حضرت ابن قیم / فرمودند: [در مکۀ مکرمه زمانی بر من گذشت که در آن وقت مریض شدم، طبیب و دوا در آنجا نبود، پس به وسیله سورۀ فاتحه خودم را معالجه می‌کردم و مقداری از آب زمزم را می‌گرفتم و در آن [سورۀ فاتحه را می‌خواندم و در آب دم می‌کردم] پی در پی خواندم و آب را نوشیدم، و بدین وسیله سلامتی کامل ام را یافتم، سپس با اطمینان کامل از آن به بعد در بیشتر دردها از این روش استفاده می‌بردم و بدین صورت از آن بیشترین فایده را بردم]**([[15]](#footnote-15))**.

از دعاهای گرانقدر

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ البَاسَ، اشْفِهِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لاَ شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لاَ يُغَادِرُ سَقَمًا». «بار خدایا! ای خدای انسان‌ها سختی و دشواری(مرض) را از من دور بگردان، مرا شفا بده همانا تو شفادهنده هستی و هیچ موجودی غیر از تو شفا نمی‌کند مگر تو شفا می‌کنی و چنان شفا دادنی که پس از آن هیچ گونه بیماری باقی نماند».

دستت را برروی جائی که درد در همان قسمت بدنت است قرار بده و بگو: بسم الله (سه بار) وهفت مرتبه می‌گویی: «أعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَقُدرَتِه مِن شَرِّ مَا أجِدُ وَأحَاذِرُ». «من به عزت و قدرت خدا پناه می‌برم از بدی چیزی که می‌یابم، از درد در حال حاضر و می‌ترسم از زیادت و سرایت آن در مال».

«بِسمِ اللهِ أرقِيك مِن كلِّ شَئٍ يُؤذيكَ وَمِن شَرِّ كلِّ نَفسٍ أو عَينٍ حَاسِدٍ؛ اللهُ يَشفيِكَ بِسمِ اللهِ أرقيِك»**([[16]](#footnote-16))**. «به نام خداوند  تو را از هر چیزی که اذیت و ضرر به تو می‌رساند و از شر هر نفس بد یا چشم حسود رقیه می‌کنم خداوند تو را شفا بدهد و به نام خداوند  تو را تعویذ می‌نمایم».

ازجمله علاج سودمند برای سحر (غیر از بلاها): توبه کردن به سوی خداوند  و زیادی استغفار است چرا که همین گناهان اسباب گرفتاری و مصیبت ها و بلاها هستند و توبه هم در واقع دوای آنها(مصیبت ها و بلاها) است. نبی خدا حضرت صالح ÷ خطاب به قومش چنین فرمود: ﴿لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾ [النمل: 46]. «اگر چه شما بسوی خدا  استغفار کنید، شاید که (خداوند) بر شما رحم بیاورد و گناهان شما را ببخشاید». پس نفست را محاسبه کن و در کارهایت جستجو نمای همانا آنچه که از طرف نفست[خطائی] را مرتکب شدی خواهی یافت زیرا که خداوند ﻷ بر بندگانش ظلم نمی‌کند (واین انسان ها هستند که با انجام گناهان خود از خداوند  روی برمی گردانند و بر خود ظلم می‌کنند».

معالجه کسی که بر اثر اصابت سحر نمی‌تواند با همسرش همبستر بشود

علاوه بر اسبابی که قبلاً برای علاج سحر گفتیم، حضرت شیخ عبدالعزیز بن باز / می‌فرماید: [برای معالجه سحر بعد از اینکه دچار آن شدید ـ مخصوصاً برای مردانی این معالجه سودمند است که به سحر دچار شدند و در اثر سحر نمی‌توانند با همسرشان همبستر شوند ـ هفت برگ سدر سبز (نوعی گیاه) را بگیرد سپس آنرا با سنگ و یا هر وسیله أی له بکند و آن برگ های کوبیده شده را در ظرفی بریزد و روی آن مقداری آب که برای غسل لازم است بریزد. و آیت الکرسی و **﴿**قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡكَٰفِرُونَ**﴾**، **﴿**قُلۡ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ**﴾**، **﴿**قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلۡفَلَق**﴾**، **﴿**قُلۡ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ**﴾** و آیات سحری که در سوره أعراف وجود دارند، بخواند که آن آیات فرمودۀ خداوند سبحان اند که می‌فرماید: ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۖ فَإِذَا هِيَ تَلۡقَفُ مَا يَأۡفِكُونَ١١٧ فَوَقَعَ ٱلۡحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ١١٨ فَغُلِبُواْ هُنَالِكَ وَٱنقَلَبُواْ صَٰغِرِينَ١١٩﴾ [الأعراف: 117-119]. «وبه موسی وحی کردیم که عصای خود را بیندازد. ناگهان(بصورت اژدهائی در آمد) و بسرعت آنچه را به هم می‌بافتند (و تزویرهائی را که می‌نمودند) همه را بلعید. پس حق (یعنی صدق موسی) ثابت و ظاهر گردید و آنچه آنان می‌کردند باطل شد و پوچ از آب در آمد. در آنجا(که فرعون و فرعونیان گرد آمده بودند.) شکست خوردند و خوار و رسواتر گشتند».

و نیز این آیات سورۀ یونس را بخواند که خدای سبحان می‌فرماید:

﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ٱئۡتُونِي بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٖ٧٩ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ أَلۡقُواْ مَآ أَنتُم مُّلۡقُونَ٨٠ فَلَمَّآ أَلۡقَوۡاْ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئۡتُم بِهِ ٱلسِّحۡرُۖ إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبۡطِلُهُۥٓ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصۡلِحُ عَمَلَ ٱلۡمُفۡسِدِينَ٨١﴾ [یونس: 79-81].

«فرعون گفت: همه جادوگران ماهر و زبر دست را به پیش من بیاورید (تا کار این جادوگر را بسازیم). هنگامی که جادوگران گرد آمدند، موسی به ایشان گفت: (هر چه از فنون سحر می‌دانید بکار بندید و) آنچه می‌توانید بیندازید و بیفکنید تا ببینیم. هنگامی که (ریسمان و عصاهای خود را) انداختند. موسی گفت: آنچه ارائه دادید واقعا جادوست، قطعا خداوند آن را پوچ و نابود خواهد کرد و (جای شگفت نیست، چرا که) خداوند کار تبهکاران را ابقا و دوام نمی‌بخشد و شایسته و سودمند نمی‌گرداند. خداوند با سخنان خود (بر انبیاء نازل می‌کند) حق را پایدار و ماندگار می‌گرداند هر چند که گناهکاران و بزهکاران نپسندند».

و آیاتی که در سوره طه است:

﴿قَالُواْ يَٰمُوسَىٰٓ إِمَّآ أَن تُلۡقِيَ وَإِمَّآ أَن نَّكُونَ أَوَّلَ مَنۡ أَلۡقَىٰ٦٥ قَالَ بَلۡ أَلۡقُواْۖ فَإِذَا حِبَالُهُمۡ وَعِصِيُّهُمۡ يُخَيَّلُ إِلَيۡهِ مِن سِحۡرِهِمۡ أَنَّهَا تَسۡعَىٰ٦٦ فَأَوۡجَسَ فِي نَفۡسِهِۦ خِيفَةٗ مُّوسَىٰ٦٧ قُلۡنَا لَا تَخَفۡ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡأَعۡلَىٰ٦٨ وَأَلۡقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلۡقَفۡ مَا صَنَعُوٓاْۖ إِنَّمَا صَنَعُواْ كَيۡدُ سَٰحِرٖۖ وَلَا يُفۡلِحُ ٱلسَّاحِرُ حَيۡثُ أَتَىٰ٦٩﴾ [طه: 65-69].

«(جادوگران بار به غبغب انداخته) گفتند: ای موسی آیا تو اوّل (هنرنمائی خود را می‌کنی و عصای خود را) می‌اندازی، یا اول (دست بکار شویم و اسباب و ادوات جادوی خویش را) بیندازیم (وکار تو را یکسره سازیم). (موسی)گفت: شما اول(شروع کنید و آنچه دارید جلو) بیندازید، (آنان طناب ها و عصاهای خود را انداختند، موسی)چنان به نظرش رسید که بر اثر جادوی ایشان، بناگاه طناب ها و عصاهای آنان مار شدند و می‌خزیدند و تند راه می‌روند. گفتیم: مترس! حتما تو برتری (و بر آنان چیره می‌شوی و کارهای باطل شان را شکست خواهی داد. و چیزی را که در دست راست داری بیفکن تا همه ساخته های (مزوّرانه و شعبدبازی های مکارانه) ایشان را بسرعت ببلعد. چرا که کارهایی را که کردند نیرنگ جادوگری است و جادوگر هر کجا برود پیروز نمی‌شود».

و بعد از خواندن آنچه بیان شد [ذکر، دعاها و آیات] در آب مقداری از آن را بنوشد و با بقیه آن غسل نماید وبدین وسیله إن شاء الله تعالی دردت بر طرف خواهد شد و اگر برای استفاده از این روش به دو مرتبه یا بیشتر نیاز داشت پس مشکلی نیست این کار را انجام دهد تا اینکه درد از بین برود**([[17]](#footnote-17))**.

معالجه کسی که مبتلا به چشم زخم شده است

1. تعویذ با قرآن و ادعیۀ مبارکه همانطوری که قبلاٌ ذکر شد.
2. شخصی که گمان می‌رود او چشم زخم کرده است، از او خواسته شود تا غسل کند بدلیل فرمودۀ پیامبر اکرم ص که می‌فرماید: «العَينُ حَقٌ وَلَو كانَ شَئٌ سَابَقَ القَدرَ سَبَقَتهُ العَينُ وَإذَا استَغسِلتُم فَاغسِلُوا»**([[18]](#footnote-18))**. «نظر حق است و اگر چیزی می‌توانست بر تقدیر پیشی بجوید همانا نظر بر آنان پیشی می‌جست و هر گاه به غسل دادن خواسته شدید (جهت رفع نظر) غسل کنید».

در حدیث شیوه غسل آمده است: به شخص چشم زخم کننده دستور داده می‌شود تا وضو بگیرد پس او صورت و دو دستش را تا آرنج ها و زانو و درون ازارش را بشوید سپس [آن آب که او غسل کرده است را] بر روی شخصی که چشم خورده است بریزند؛ معنای لفظ یکفأ الإناء من خلفه [که در روایت است] اینست که: از پشت سر چشم خورده، یعنی یک دفعه و غافل گیرانه آب ها را روی او بریزند و لفظ «داخلۀ ازاره» [که در حدیث آمده] را برخی از اهل علم به قسمت داخلی شلوار که با بدن در ارتباط است تفسیر کرده اند. جناب شیخ محمّد العثیمین می‌فرماید: «وشاید یکی از مصادیق آن (داخلۀ ازار) قسمت داخلی چفیۀ سر مردان و کلاه و پیراهن شخص[چشم زننده] باشد»**([[19]](#footnote-19))**.

چگونه خود را تعویذ بنمائید

زمانی که مسلمان دچار بیماری شود برایش جایز است که در جستجوی یک شخصی بگردد که دارای صلاح، تقوا، حلالی و پاکی رزق بوده و امید اجابت دعایش برود و از این شخص بخواهد تا او را تعویذ کند لیکن بهتر اینست که این کار را نکند چراکه ترک آن از کمال توکل است همچنان که ترک آن از صفات کسانی است که بدون حساب و عذاب وارد جنّت می‌شوند. اگر امروزه کسی به احوال مردم نظری بیفکند مشاهده می‌کند که بسیاری از آنها به طرف هر شخصی که ادعای تعویذ کننده ای و طالع بینی را بکند، می‌شتابد. به طرف کسانی می‌شتابند که اهل صلاح نیستند بلکه چه بسا شعبده باز و کاهن می‌باشند، و این بدان جهت است که جهل عام شده و بسیاری از مردم مسأله دینشان را، مسألۀ ساده پنداشته اند، بنابر این بسیاری از مردم در کار دینشان دقت و عمق نظری نکردند، لذا این امریک زمینۀ وسیع و یک میدان بازی یا برای بعضی افراد فاسد فراهم آورده تا اینکه ادّعای رقیه یا تعویذ شرعی بنمایند در حالی که آنان هرگز شایستگی این کار را ندارد لذا ای مسلمان بر ارتقاء نفست بوسیله خویشتن تمسک بجوی و بدان که خداوند  می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡ﴾ [غافر: 60]. «خداوند  فرمود، مرا با خلوص دل بخوانید تا دعای شما اجابت کنم». اینکه عذر می‌آورید که گناهکار و مقصر هستید و می‌ترسید که مبادا دعایتان اجابت نشود این یک امر پسندیده است. لیکن این حسن کامل نمی‌شود مگر اینکه با ترس و امید همراه باشد تا اینکه همه احوالات و اعمال تو مطابق شرع صحیح باشد**([[20]](#footnote-20))**. پس همان گونه که تو از گناهانت می‌ترسی، امیدوار رحمت الله  باش و هنگامی که بنده نسبت به پروردگارش حسن ظن داشته باشد و اعمال نیکو انجام بدهد و[با انجام اعمال نیک] در اصلاح احوال خویش بکوشد و ازگناهان توبه نماید، رحمت الله  بر نیکوکاران نزدیک ا و در حدیث قدسی آمده است: «أنَا عِندَ ظَنِّ عَبدِي بِي»**([[21]](#footnote-21))** «من نزد گمان بنده ام نسبت به خودم هستم»، یعنی: همان گونه که بنده ام نسبت به من گمان داشته باشد من همان گونه با او رفتار خواهم کرد بنابر این نسبت به پروردگارت حسن ظن داشته باش واز بدگمانی به الله سبحانه و تعالی بپرهیز.

تعویذ

فوائد تعویذ خود بوسیله خویشتن، از جمله

کمال پیروی از سنت پیامبر اکرم ص: اگر شخصی از اشخاص خانه آن حضرت ص پیش وی از دردی شکایت می‌کرد. پیامبر اکرم ص او را با معوّذات دم می‌کرد.

کمال توکل به خداوند : اصرار بر دعا برای استجابت [این شیوۀ تعویذ که خودت را تعویذ نمایی] به اجابت دعا نزدیکتر است، برای اینکه دعای کسی مورد استجابت قرار بگیرد باید با گریه و صبر برای استجابت آن کوشش نماید، اگر کسی تلاش نکند و برای اجابت آن بی صبر و خشمگین شود، دعایش مستجاب نمی‌شود، چرا که انسان محتاج است و به آن نیاز دارد. در اجابت آن [با گریه وزاری] اصرار بورزد و برآشفته نشود.

خود را از نیرنگهای بعضی از دجال صفتان حفظ بکنند.

محافظت زنان از نظر دیگران\_ هنگامی که اهل خانه ات را تعویذ یا اینکه آنها خود را تعویذ کردند\_ آنها از تعرض مردان اجنبی مصون می‌مانند.

کیفیت تعویذ

سوره فاتحه را بخوانید، سپس بر جایی که در آن درد دارد تف بکنید (یا بر مریضی که می‌خواهی آن را تعویذ کنی) و همچنین سورۀ (فلق) سورۀ (ناس) و سوره ها و آیات تعویذ و دعاهای شرعی را بخوانید.

تفاوت بین کهانت، ساحری وشعبده بازی با تعویذ شرعی:

صفاتی که باعث تشخیص کاهن(جادوگر)، ساحر، شعبده باز با قرائت کننده (تعویذ) شرعی می‌شود، عبارتند از:

ساحر و کاهن و شعبده باز از اسم مریض و اسم مادرش سئوال می‌کنند.

1. گرفتن نشانه هایی از مریض، مانند کلاه گیس.
2. اینکه درخواست ذبح حیوان بخصوصی با صفات مشخصی را بکند، و دستور مخلوط کردن قسمت‌هایی بدن با خون حیوان ذبح شده بکند.
3. نوشتن کلمات طلسم یا حروف قطعه قطعه در سحر.
4. با کلام غیر مفهوم و ناتمام حرف می‌زند.
5. چیزی به مریض می‌دهد که در زمین دفنش بکند یا در منزل مخفی نماید.
6. به وسیله معلومات مخصوص از زندگی مریض خبر می‌دهد.
7. نمایان بودن نشانه های فسق در او: مثل تراشیدن ریش، خیلی دراز بودن لباس، دراز کردن سبیل ها و تنبلی در شرکت کردن در نماز جماعت. در این مورد نشانه های زیادی غیر از این وجود دارد.

تنبیهات

هدف از بجای آوردن اذکار: عبادت خداوند  و اشتیاق در آنچه از ثواب و اجر عظیم نزد خداوند  است از ثواب و أجر عظیم \_ اما آنچه که از منافع دنیوی حاصل می‌شود. مانند حفاظت خودت و حفظ اهل خانه و مال از آفات، اینها مسألۀ اصلی نیستند و چرا که نباید مقصود از این دعاها تنها کسب دنیوی باشد [و چنین هدفی درست نمی‌باشد بلکه اخلاص، عبادت و بندگی خداوند است که به قرب الهی برسی.

اگر هدف رضایت خدا باشد، اهداف فرعی نیز حاصل می‌شود(مانند جان، مال و اهل خانه). ولی تنها حفظ منافع دنیوی باشد به هدف اصلیت که رضایت خدا است، نخواهی رسید و باعث نابودی منافعت می‌شود].

اگر از وجود ساحر، جادوگر یا غیب گو با خبر شدی لازم است، کسانی که مسئول هستند خبر دار کنی(مانند مراکز نجوم)**([[22]](#footnote-22))** بنا به فرموده پیامبر اکرم ص که می‌فرماید: «مَن رَأي مِنكم مُنكراً فَليُغَيِّرهُ بِيَدِهِ فَأِن لَم يَستَطِع فَبِلِسَانِهِ فَأِن لَم يَستَطِع فَبِقَلبِهِ وَ ذلِك أضعَفُ الاَ يمان»**([[23]](#footnote-23))**. «هر یکی از شما کار بدی را مشاهده بکند، بایستی آن را با دستش تغییر دهد، اگر قدرت آن را ندارد باید با زبانش(آنرا تغییر دهد) اگرقدرت آن را (هم) ندارد پس در دلش(آن را زشت بپندارد) و این ضعیف ترین (شعبه) ایمان است».

برجهای فلکی(ستارگان) که در بعضی کتاب‌ها ومجلات نوشته شده است، از رصدهای حرام است**([[24]](#footnote-24))**. زیرا آن ادعا بر علم غیب است که هیچ کس جز خداوند  نمی‌داند. و از امام احمد، ابو داوود و ابن ماجه روایت شده است که پیامبر اکرم ص فرموده است: «مَنِ اقتَبَسَ عِلْمَاً مِنَ النُّجُومِ اقتَبَسَ شُعْبَةً مِنَ السِّحْرِ، زَادَ مَا زَادَ»**([[25]](#footnote-25))**. «کسی که از ستاره ها علمی را دریافت نماید همانا شاخه ای از سحر را دریافت کرده است و هر اندازه که از علم ستاره شناسی بیاموزد از سحر انباشته است».

اگر کسی بر چیزی خیره شد و از خودش ترسید که مبادا به دیگری با نظرش ضرری برساند پس بر او لازم است که مبارک باد بگوید. پیامبر اکرمص خطاب به مردی که به دیگری نظر بد کرده بود فرمود: چرا مبارک باد نگفتی؟ و در حدیثی دیگر آمده است: «إِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فِي نَفْسِهِ أَوْ مَالِهِ، فَلْيُبَرِّكْ عَلَيْهِ؛ فَإِنَّ الْعَيْنَ حَقٌّ». «اگر یکی از شما را جان و مال برادر مسلمانش تعجب و پسندش واقع شود باید برای او دعای برکت نماید. زیرا چشم حق است». [امام احمد و حاکم و غیره روایت کردند]، و در روایتی: «فليدع له بالبركة». «پس می‌بایستی برای او دعای برکت نماید».

ابن قیم / می‌فرماید: [بایستی بگوید که: اللهم بارک علیه] و ابن عبدالبرّ می‌فرماید: صورت تبرک اینست که بگوید: «تبارك الله أحسن الخالقين اللهم بارك فيه» «خداوندا تو بهترین آفریدگار هستی او را از نظر بد پاک گردان»**([[26]](#footnote-26))** وهذا الله أعلم وصلى الله وسلم وبارك على نبيا محمد وعلى آله وصحبه**.**

کلمات نامأنوس در کتاب، برگرفته از فرهنگ عمید

استعاذه: مص. [ع] «استعاذه» (اِ.تِ.ذَ) استعاذت: پناه گفتن، پناه خواستن، پناه جستن، پناه بردن، کلمۀ «أغوذ بالله من الشيطان الرجيم» گفتن،.

استعانت: مص [ع] «استعانه» (اِ. تِ. نَ) یاری خواستن، یاری جستن، کمک خواستن، یاری گفتن،.

اوهام: [ع] (آَ) خیالات و پندارها، جمع وهم،.

برج‌های فلکی: برج\_ ا. [ع] (بُ) هر یک از دوازده بخش فلک: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت، بروج جمع. فلک: سپهر، گردون، مدا هر یک از سیارات،.

تعویذ: مص. [عَ] [تَ. وِ] پناه دادن، در پناه آوردن، حفظ کردن کسی و نیز بمعنی دعاهائی که بر کاغذ می‌نویسند و بگردن یا بازو می‌بندند برای رفع چشم زخم و دفع بلا و آفت، تعاویذ جمع،.

تهلیل: مص. [ع] [تَ. لِ] «مأخوذ از هیلله» تسبیح کردن، «لا اله إلا الله» گفتن،.

توسّع: مص. [ع] (تَ. وَ. سُ) فرخ شدن، گشاده شدن، فراخ نشستن، فراخی، آسان گرفتن،.

حجّام: صِ. [ع] (حَ. ج) حجامت کننده، خونگیر، کسی که کارش حجامت کردن و خون گفتن است،.

رصد: ا. [ع] (رَ. صَ) طریق، راه، مراقب، نگهبان، گروه، در اصطلاح منجمان: جائی که ستاره شناسان برای خود درست می‌کنند و از آنجا با آلات و ادوات مخصوص ستاگان را زیر نظر قرار می‌دهند، در فارسی رصدگاه و رصدخانه نیز می‌گویند،.

رُقیه: افسون، طلسم، جادو، سحر،.

طالع بینی: طالع\_ ا. فا.[ع] (لِ) طلوع کننده، بر آینده/ ماه نو، هلال، حالت نموداری ستارگان/ بخت، اقبال، سرنوشت و طالع بینی علمی است که توسط رصد کردن ستارگان از آینده و بخت و اقبال انسان خبر می‌دهند،.

عبوس:ص. [ع] (عَ. بُ) بسیار ترشرو، بد اخم، اخمو،.

عِقاب: مص [ع] (عِ) سزای گناه و کار بد کسی را دادن، شکنجه کردن، عذاب، شکنجه،.

غل وغش: غل\_ ا. [ع] (غَ. لِّ) حقد، کینه، /غش:ا.مص. [ع] (غِ، شّ) خیانت، حقد، سیاهی قلب، تیرگی درهر چیز،.

قاعده: ا.فا. [ع] «قاعده» (عِ. دَ) مؤنث قاعد/ بنیان، اساس، پایه، اصل، قانون،.

کاهن: ص. [ع] (هِ) غیب گو، مرد روحانی در نزد مصریان قدیم و یهود و نصاری، کهنه جمع.

1. - magic. [↑](#footnote-ref-1)
2. - جان بی، ناس، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، پرویز اتابکی تهران1377، چاپ نهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. [↑](#footnote-ref-2)
3. - (مترجم)- البته این از معجزات پیامبر اکرم ص بوده است که مردگان صدای آن حضرت را شنیدند ولی در آیاتی مانند: ﴿وَمَآ أَنتَ بِمُسۡمِعٖ مَّن فِي ٱلۡقُبُورِ﴾ [فاطر: 22]. «و تو آن کسی را که در گورستان فرو رفته هرگز شنوا نتوانی کرد بر عدم توانایی مردگان به شنیدن صدای زندگان تأکید شده است» - ترجمۀ الهی قمشه ای. [↑](#footnote-ref-3)
4. - منظور نفی وجود جن و شیاطین نیست بلکه عدم استفاده و پناه بردن به این شیوه است. [↑](#footnote-ref-4)
5. - صحیح مسلم. [↑](#footnote-ref-5)
6. - صحیح بخاری. [↑](#footnote-ref-6)
7. - مسلم (103)، کتاب الاشربة**،** جابر بن عبدای. [↑](#footnote-ref-7)
8. - صحیح ترمذی (2/309(. [↑](#footnote-ref-8)
9. - آنکه به نزد عرافی بیاید (عراف کسی است که جای گم شده و مال دزدیده شده را نشان می‌دهد) ودر باره چیزی از وی پرسش نموده و ان را راستگو شمارد، چهل روز نمازش قبول نشود). [↑](#footnote-ref-9)
10. - ابو داوود 3904. [↑](#footnote-ref-10)
11. - ابن ماجه/ 352، 205. [↑](#footnote-ref-11)
12. - رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشربه، باب 12، حدیث 97. [↑](#footnote-ref-12)
13. - رواه البخاری و مسلم، کتاب الاشربه، باب 27، حدیث 155. [↑](#footnote-ref-13)
14. - (مترجم)- دو سوره ای که با [قُل أغوذ] شروع می‌شود، یعنی؛ سوره های فلق وناس. [↑](#footnote-ref-14)
15. - زاد المعاد**،** ج4، ص17. [↑](#footnote-ref-15)
16. - ابن ماجه، 3524. [↑](#footnote-ref-16)
17. - مترجم ملاحظه بفرمایید، روش بزرگان در برخورد با این مسائل همواره به صورت علمی و آگاهی از علت دردها است نه به شیوه های خرافی و گمراه کننده. [↑](#footnote-ref-17)
18. - رواه مسلم- مترجم- در النهایة ابن اثیر**،** ج3، ص368 در مورد ترتیب غسل به طور کامل توضیح داده شده است. [↑](#footnote-ref-18)
19. - مجموعۀ فتاوی شیخ محمد العثیمین**،** ج1، ص 136. [↑](#footnote-ref-19)
20. - «أدعوه خوفاً و طمعاً» [أعراف/56]. خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید. [↑](#footnote-ref-20)
21. - رواه البخاری و مسلم. [↑](#footnote-ref-21)
22. - (مترجم) البته نویسنده موقعیت منطقۀ خود را بیان کرده است که احیاناً چنین مراکزی برای جلوگیری از فعالیت این گروه سود جو وجود دارد. شاید منظور از. [↑](#footnote-ref-22)
23. - رواه مسلم. [↑](#footnote-ref-23)
24. - (مترجم) البته استفاده از ستارگان و بروج فلکی برای تشخیص مسیر و پیشبینی آب و هوای مناطق که با علم قطعی ثابت می‌شود، هیچ منافاتی با غیب ندارد زیرا یک امر مسلم عینی است نه یک مسئلۀ غیبی که این امکان پذیر است. این گفته ها ستارشناسی های قدیم باشد که بر اساس شک و پیشگویی های غیر عینی صورت می‌گرفت یا اختر شناسی هایی که امروزه به صورت فرضیه و گمان ارائه می‌شود و هنوز به مرحلۀ ثبوت و قطعیت نرسیدند. [↑](#footnote-ref-24)
25. - رواه امام احمد و الحاکم و سایرین، ابوداوود (3905) احمد بن حنبل (1/227-311). [↑](#footnote-ref-25)
26. - التمهید، ج6، ص241. [↑](#footnote-ref-26)